

تحلیل مواضع سیاسی روحانیون بهبهان در تحولات انقلاب اسلامی

اسماعیل حسن زاده

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا

e.hasanzadeh@alzahra.ac.ir

طاهره ابوعلی (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه الزهرا

aboali.313@gmail.com

چکیده

مواضع و عملکردهای روحانیون از دوران مشروطه تاکنون یکی از موضوعات مهم و اساسی در روابط میان حکومت و نهاد روحانیت بوده است. دغدغه‌های فکری و سیاسی روحانیون در ارتباط با سازوکارهای اتخاذی حکومت، اثرات و پیامدهای مستقیمی را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مملکت به دنبال داشت. روحانیون از دیرباز تا زمان مورد بحث (انقلاب اسلامی) یکی از گروه‌های بانفوذ اجتماعی بوده‌اند که نظریات آن‌ها بسان راهکارهای مؤثری در جامعه سیاسی ایران مطرح بوده است. این گروه بسته به شرایط و تحولات سیاسی و اجتماعی رفتارهای گوناگونی را از خود به نمایش گذاشته‌اند. این مقاله به روش تحلیل مضمون روایت‌ها به بررسی مبانی اصول فکری و مواضع سیاسی روحانیون شهرستان بهبهان در رخدادهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است. براساس رهیافت‌های پژوهش، روحانیون شهرستان بهبهان به چهار طیف تقسیم می‌شوند: روحانیون سنتی (غیرسیاسی)؛ روحانیون محافظه‌کار؛ روحانیون انقلابی؛ روحانیون طرفدار حکومت پهلوی. مواضع متفاوت طیف‌های گوناگون روحانیون شهرستان حاکی از تفاوت در دیدگاه‌های فقهی و سیاسی آن‌ها بود و در عمل به صورت رویکردهای گوناگون سیاسی نمود می‌یافت. در مبارزات سیاسی و انقلابی، چندوجهی بودن افکار و دیدگاه‌های روحانیون به وضوح قابل مشاهده است و در این میان روند تفاوت سلیق و دیدگاه‌های آنان در ابعاد وسیع و گسترده‌ای نمایان شده است.

کلیدواژه‌ها: روحانیون؛ مواضع سیاسی؛ انقلاب اسلامی؛ بهبهان.

مقدمه

بسیاری از اختلافات فکری و سیاسی روحانیون در جامعه، ریشه در تفاوت ساختاری نگاه آن‌ها به مقوله سیاست دارد؛ بنابراین با وجود بسیاری از مشترکات مذهبی، گاهی در تحولات سیاسی و انقلابی مواضع سیاسی متفاوت و متناقضی می‌گرفتند. اختلافات و رقابت‌های موجود میان روحانیون، به دلیل دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوت آن‌ها در مسائل فقهی و سیاسی است.

درباره دیدگاه روحانیون بهبهان، در اسناد مکتوب مانند روزنامه‌ها و اسناد و گزارش‌های شهربانی و ساواک چیز زیادی درج نشده است. در حاشیه‌بودن بهبهان از کانون تحولات انقلابی، برجسته‌نبودن حوزه علمی آن و غلبه نگاه سنتی و محافظه‌کارانه به سیاست در حوزه علمی آنجا و نبود شعبه‌ای قدرتمند و خیلی فعال از ساواک در شهر، فقدان روزنامه و نشریه‌ای محلی برای انتشار اخبار شهر از دلایل کمبود اسناد مکتوب درباره دیدگاه‌های روحانیون بهبهان است. از این رو، این مقاله برای تبیین و تحلیل مواضع و دیدگاه‌ها بر مصاحبه با فعالان انقلابی و مذهبی شهر متمرکز است. اگر با رویکردی انتقادی به این دسته از منابع مورد توجه مقاله نگریسته شود، به آسیب‌هایی از جمله گذشت زمان طولانی (بیش از حدود ۳۵-۵۰ سال) از رویدادهای مدنظر، فراموشی جزئیات مواضع و اسامی افراد، تغییر دیدگاه مصاحبه‌شوندگان به تبع تغییرات زمانه، برملاشدن نادرستی برخی از مواضع، و تلاش مصاحبه‌شوندگان برای اظهار نکردن این‌گونه اظهارات و مواضع و... می‌توان اشاره کرد. با وجود آسیب‌های تهدیدکننده منابع تاریخی مبتنی بر مصاحبه، نگارندگان تلاش کردند تا از روایت‌هایی استفاده کنند که با منطق تاریخی، قضاوت‌های دیگران و اسناد موجود تضاد نداشته باشد؛ مثلاً همه مصاحبه‌شوندگان به حمایت برخی از علمای یادشده در مقاله از حکومت شاه اذعان و اعتراف داشتند. منتها برخی، تندرویی‌هایی در روایت داشتند و برخی متعادل قضاوت می‌کردند. در این نوشته سعی شده است بر توافقات بیشتر تمرکز شود تا روایت‌های نادر؛ مثلاً یکی از روایان روایت نادری درباره حمایت یک عالم محافظه‌کار سیاسی از آیت‌الله خمینی در دهه ۱۳۴۰ مطرح کرد که دیگر مصاحبه‌شوندگان آن را بعید دانستند؛ در این نوشته سعی شده است از این اظهارنظرها هم اجتناب شود.

درباره انقلاب اسلامی در بهبهان متأسفانه کاری مستقل به‌جز پایان‌نامه کارشناسی ارشد

طاهره ابوعلی^۱ (یکی از نویسندگان مقاله) انجام نشده است و این پایان نامه نخستین اثر در این زمینه است. البته در این زمینه تک‌نگاشته‌هایی مانند «حریم یار» تألیف مشترک محمدیان و مجتهدی^۲ دربارهٔ آیت‌الله محمدحسین مجتهدی را می‌توان یاد کرد که دارای رویکرد تمجیدی و بزرگداشتی است و فاقد رویکرد انتقادی و مقایسه‌ای است.

این مقاله درصدد است به بررسی و تبیین مبانی فکری و مواضع سیاسی روحانیون در مسائل و رویدادهای انقلابی شهرستان بیردازد. ریشهٔ بسیاری از مواضع گوناگون سیاسی در تشریح مبانی فکری و سیاسی روحانیون قابل‌پیگیری است. این مقاله در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست: بررسی اصول مبانی فکری و سیاسی روحانیون شهرستان؛ و بخش دوم: بررسی مواضع سیاسی روحانیون شهرستان دربارهٔ تحولات و رویدادهای انقلابی. بررسی نقش روحانیون در جایگاه یکی از اقشار تأثیرگذار جامعه در مسائل و تحولات، اهمیت دارد. نقش روحانیون در دو بعد دینی و سیاسی قابل‌تبیین است. با فوت آیت‌الله بروجردی در آغازین سال دههٔ ۴۰، حکومت پهلوی گمان می‌کرد نهاد مذهب در جامعهٔ ایران کارایی خود را از دست داده است؛ به‌همین دلیل به تصویب و اجرای قوانین و مصوبات نوگرایانهٔ سکولار اقدام کرد. برخلاف انتظار، این اقدامات با واکنش روحانیون مواجه شد. اصرار محمدرضاشاه در پیگیری روند سکولاریستی، حضور روحانیون را در عرصهٔ سیاست و اجتماع اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. البته دربارهٔ حضور روحانیون ذکر این مطلب ضروری به نظر می‌رسد که هرچند قاطبهٔ روحانیون از اقدامات ضد‌دینی حکومت پهلوی ناراضی بودند، ولی ورود آن‌ها به عرصهٔ سیاست، با رویکردهای متفاوتی همراه بود. گسست‌های سیاسی در فکر و رفتار روحانیون - که ریشه در نوع رویکردشان به سیاست، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد و... داشت - در اتخاذ مواضع انقلابی و مبارزاتی بسیار مهم و تعیین‌کننده بود. در این مقاله روحانیون بهبهان به چهار دسته یا طیف سیاسی تقسیم شده‌اند: ۱. روحانیون سنتی (غیرسیاسی)؛ ۲. روحانیون محافظه‌کار؛ ۳. روحانیون انقلابی؛ ۴. روحانیون طرفدار حکومت پهلوی. هر کدام از این چهار طیف روحانی

۱. ابوعلی، طاهره. (۱۳۹۳). «انقلاب اسلامی در بهبهان»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، با راهنمایی اسماعیل حسن‌زاده، دانشکدهٔ ادبیات، گروه تاریخ.

۲. محمدیان، خیرالله؛ مجتهدی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «حریم یار: ویژه‌نامه به مناسبت اولین سالگرد رحلت آیت‌الله محمدحسین مجتهدی». انتشارات کانون فرهنگی هنری مسجد سلطان محراب.

براساس مبانی فکری و سیاسی به اتخاذ مواضع گوناگون در تحولات و رویدادهای انقلابی اقدام می‌کردند. در زیر به بررسی سنخ‌ها، اصول فکری و مواضع سیاسی آن‌ها پرداخته می‌شود. لازم به توضیح است در این مقاله، تحولاتی که برای سازمان‌های چریکی و جریان ملی اتفاق افتاده بود - و مورد قبول جامعه روحانیت و انقلابیون طرفدار امام خمینی نبود، یا دست کم در شرایط امروزی مقبولشان نیست - بیان نشد؛ چون مصاحبه‌شوندگان از هرگونه اظهارنظری در این زمینه به شدت خودداری می‌کنند یا اظهارنظری از جنس تحلیل‌های امروزی از آن‌ها دارند و همهٔ علما را مخالف آن جریان‌ها معرفی می‌کنند.

چارچوب مفهومی: سنخ‌شناسی روحانیون براساس مبانی فکری و مواضع سیاسی
در این قسمت سعی بر این است تا اصول و شاخص‌های مشترک این دسته از روحانیون به‌بهبان استخراج و بسان الگوی رفتاری ارائه شود.^۳

۱. روحانیون سنتی

به آن دسته از روحانیونی گفته می‌شود که مسائل دینی از جمله بیان احکام شرعی را در سخنرانی‌ها، وعظ و خطابه پررنگ‌تر از سایر مسائل دنبال می‌کنند (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). این دسته از روحانیون بر این عقیده بودند که با فرهنگ‌سازی دینی در سطح وسیعی از توده‌های مردمی، زمینه‌های تحول در بینش دینی مردم به وجود می‌آید. آیت‌الله سیدفرج‌الله مصطفوی، حجت‌الاسلام احمد بخردی، حجت‌الاسلام سیدنصرالله آیتی مقدم، حجت‌الاسلام فتح‌الله روحی‌پور و... در این گروه قرار دارند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). آیت‌الله مصطفوی به‌لحاظ شیخوخیت سنی، علمی، و سیادت در رأس این جریان قرار داشت.

شاخص‌های تفکر و مواضع روحانیون سنتی: مبانی فکری و رفتاری این دسته از روحانیون با توجه به مثنی فقهی و سیاسی آن‌ها - که همواره بر جدایی دین از سیاست تأکید می‌کردند، آن‌ها را به دخالت‌نکردن در مباحث سیاسی و مبارزاتی سوق داده بود (زاهدنژاد، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲۰). روحانیون باید از کار «کشیف» سیاست دوری کنند و به مسائل معنوی، تبلیغ کلام

۳. در این مقاله از روحانیان روستاهای شهرستان به‌دلیل دسترس‌نداشتن به آن‌ها تحقیق نشده‌است و تنها به روحانیون داخل شهر اکتفا شده‌است.

خداوند، تحصیل در حوزه‌ها و آموزش علمای نسل آینده بپردازند (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۵۸۳). از نظر این دسته از روحانیون، زهد فردی و رویکرد انتظارمحور و آخرت‌گرایی عبادت‌محور مهم‌تر از فعالیت‌های اجتماعی مبتنی بر دنیا بوده‌است. آن‌ها همچنین فعالیت‌های اجتماعی را نیز در چارچوب عمل به احکام اسلامی تعریف کرده بودند. چرایی و تبیین اندیشه‌ی جدایی دین از سیاست، این دسته از روحانیون را به گوشه‌گیری و عزلت سیاسی در مسائل رهنمون ساخته بود (محسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۵). آنان با استدلال به اینکه سیاست را باید به مردان سیاست واگذار کرد؛ از هر گونه دخالت علنی (شامل مصاحبه‌ها، بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی با محتوای انتقاد از تفکر سیاسی و عملکرد حکومت) و غیرعلنی (تحریک احساسات مردم از طریق اعمال نفوذ در آنان که جلوه‌ بارز آن در تظاهرات‌ها و اعتصابات نمود می‌یافت) پرهیز می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). البته آنان با تمسک به روایات متعدد درباره‌ی نامشروع بودن حکومت در دوره‌ی غیبت و طاغوت قلمداد کردن حکومت‌های دنیایی به‌غیراز حاکمیت معصوم، رفتار خود را درقبال هر نوع سیاست‌ورزی روشن کرده بودند. این دسته از روحانیون ظاهراً در راستای تداوم اقدامات حکومت فعالیت نمی‌کردند؛ ولی با سکوت خود آنان را تشویق به ادامه روند موجود می‌کردند (درخشنده، حبیب‌الله، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۶). این روحانیون مقبولیتی عمومی در میان توده‌های مردم داشتند و حکومت این فرصت را مغتنم می‌شمرد و از آن‌ها مانند ابزاری کارآمد برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود استفاده می‌کرد (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶) یعنی می‌توان گفت: روحانیون سنتی در کارزار میدان سیاست به ابزاری دوجانبه تبدیل شده بودند که از یک طرف حکومت از آنان استفاده ابزاری می‌کرد و از طرف دیگر در مجالس و برنامه‌های مذهبی به ابزاری برای خنثی‌سازی فعالیت‌های مبارزاتی سایر روحانیون تبدیل شده بودند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). محدود بودن فضای فکری این دسته از روحانیون، تنها در قلمرو سیاست نبود بلکه این ویژگی آن‌ها در بیشتر جنبه‌ها وجود داشت (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این روحانیون به شدت مخالف تحول و نوآوری‌های اجتماعی بودند. بسیاری از پیشرفت‌های علمی انسان را به دیده‌ی تردید می‌نگریستند و بشر را موجودات ضعیفی می‌دانستند که همواره از تحول عاجز هستند، به طوری که رفتن انسان به کره‌ی ماه و پیشرفت‌هایی از این حیث را مردود می‌دانستند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). دایره‌ی فعالیت‌های روحانیون سنتی را می‌توان در محدوده‌ی قلمرو دین انتظارمحور و آخرت‌گرا بررسی کرد؛ اقداماتی نظیر تشویق

مردم به انجام واجبات و ترک محرمات، پرداخت وجوهات شرعیه (خمس و زکات و...)، نماز جماعت، جلسات دعا، دایر کردن کلاس‌های عقیدتی و دینی و... به شکل‌گیری و تقویت زمینه‌های فرهنگ دینی در قشر جوان منجر می‌شد (امیرمحسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۸). این دسته از روحانیون غیرسیاسی، با وجود برکناربودن از سیاست، به دلیل مواضعشان در قبال بهائیت، شیخی‌گری و دیگر مرام‌های التقاطی در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۷ ناخواسته به سیاست نزدیک می‌شدند (درخشنده، حبیب‌الله، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۶؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۵۸۳)؛ ولی تعبیرشان از سیاست تقویت شریعت بود نه سیاست‌ورزی. برای نمونه، آیت‌الله سیدفرج‌الله مصطفوی (محمدیان، ۱۳۷۸، ص ۷۵) با سخنرانی‌های انتقادی خود در بهبهان به سیاست‌های فرهنگی و ضد‌دینی حکومت واکنش نشان داد (نصیرخانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۰). البته باید تأکید کرد که اعتراض ایشان به چارچوب ساختاری حکومت نبود بلکه به دلیل اتخاذ سیاست‌های حاکمیت در عرصه دین بود (امیرمحسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۸). مسائل و مناسک مذهبی بزرگ‌ترین و شاید تنها دغدغه فکری این‌گونه روحانیون بود و تمام تلاش خود را برای بهبود روند تطابق رفتارهای مردم با جزئیات فقهی به کار می‌بستند (امیرمحسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۸). آنان با انتقاد از روحانیون انقلابی که آیات و روایات قرآن را دست‌مایه فعالیت‌های سیاسی خود قرار داده بودند، مکرراً به آنان گوشزد می‌کردند که دین با سیاست پیوندی ندارد و این روحانیون باید برای توجیه امیال و هوس‌های دنیوی خود به ابزار دیگری غیر از دین متوسل شوند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). روحانیون سنتی با تقلید فقهی از آیت‌الله خوبی و سرمشق‌گیری از رفتار و مواضع ایشان، از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی مواضع سیاسی منفعلانه‌ای اتخاذ می‌کردند و از درک موقعیت جدید ناتوان بودند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱).

۱. آیت‌الله سید فرج‌الله مصطفوی در سال ۱۳۷۸ ق در شهرستان بهبهان دیده به جهان گشود. او داماد آیت‌الله‌العظمی سید علی بهبهانی و مؤلف آثاری بود مانند: رساله قاعده لاضرر؛ کتابی در موضوع ریاضیات، جبر، مقاله؛ کتابی در شکایات نماز؛ کلمه الجواب در رد شبهه فاضل جبهان سنی؛ کتابی در نقل کلمات صاحب الجواهر. وی سرانجام در سال ۱۳۵۹ دار فانی را وداع گفت.

۲. روحانیون محافظه کار

به آن دسته از روحانیونی گفته می‌شود که تعریف خاصی از سیاست‌ورزی داشتند؛ ولی بنیان‌های فکری قدرتمندی در نفی دخالت در سیاست بسان سنتی‌ها و مشارکت فعال در سیاست‌ورزی بسان دسته انقلابی‌ها نداشتند. این دسته در مبارزات انقلابی غالباً از دادن نظری صریح و قاطع خودداری می‌کردند و زمانی که اولین نشانه‌های پیروزی انقلاب در جامعه پدیدار شد، به حمایت تلویحی از روند انقلاب پرداختند. آیت‌الله محمدعلی سعادت، آیت‌الله محمدحسن مدرس، حجج‌الاسلام محمدحسین مرعشی، عبدالکریم مرعشی، مجید مرعشی، جواد سلیمانی، جعفر سلیمانی، عبدالباقی اثنی‌عشری، عبدالکریم محقق، و... در این گروه جای دارند (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶).

شاخص‌های تفکر و مواضع روحانیون محافظه کار: مبانی فکری و رفتاری علمای محافظه کار بسته به شرایط اجتماعی و مقتضیات زمان در رویدادها و تحولات مبارزاتی، رویکردهای متفاوتی را به همراه داشت (درخشنده، عبدالله، ۱۳۹۳/۷/۲). علمای محافظه کار، دارای مواضع و اندیشه‌های سیال سیاسی بودند و این شاخص فکری به بی‌ثباتی رفتار سیاسی این روحانیون در اجتماع منجر شده بود (درخشنده، عبدالله، ۱۳۹۳/۷/۲). شاخص دیگر اینکه خواستار اجرای کامل قانون اساسی مشروطه و بنابراین برپایی سلطنت مشروطه حقیقی بودند (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۵۸۵). آن‌ها حکومت مشروطه را ضامن توسعه و ترقی جامعه و جلوگیری از استبداد می‌دانستند. همچنین، به تفکیک حکومت به اجزای مختلف قائل بودند و یکدست و هماهنگ بودن تمامی اجزای آن (حتی یکسانی ساختار و کارگزار آن) را قبول نداشتند. برای کارگزاران سهم ساحتی حقیقی و هم حقوقی قائل بودند. این تفکیک بیشتر خود را در قبول درخواست اغلب کارگزاران سیاسی و اداری و نظامی شهرستان در برگزاری مراسم آیینی و مذهبی نشان می‌داد. شاخص دیگر اینکه، آنان ابتدا از حکومت حمایت می‌کردند، ولی درعین حال از تمامی عملکرد و سیاست حکومت رضایت نداشتند. در راستای بهبود وضعیت موجود تلاش‌هایی می‌کردند و انتقادهایی هم به حکومت در عرصه سیاسی وارد می‌کردند؛ (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲). آن‌ها خواهان بهبود شرایط موجود با استفاده از فضای باز فکری و سیاسی بودند و نشست‌های زیادی را با گروه‌های انقلابی برگزار می‌کردند؛ ولی باوجود این، از موضع‌گیری‌ها و اقدامات خصمانه گروه‌های انقلابی در قبال حاکمیت انتقاد و آن‌ها

را به تعدیل دیدگاه‌های سیاسی و مبارزاتی دعوت می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این نشست‌های دوجانبه، فهم مشترک رفتار سیاسی و انقلابی را برای طرفین مذاکره به همراه نداشت؛ زیرا گروه‌های انقلابی بر تغییر وضعیت موجود پافشاری و آن را تنها شرط خود در مذاکرات قلمداد می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). شاخص دیگر اینکه روحانیون محافظه‌کار به دلیل پایبندنبودن به یک جریان سیاسی و ایدئولوژی خاص در فرآیند مبارزه دچار تغییر و تحول در بینش سیاسی می‌شدند و براساس وضعیت حاکم بر جامعه و مصلحت‌های فردی و جمعی به اتخاذ راهکارهای سیاسی و مبارزاتی اقدام می‌کردند (امیرمحسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۸). چنانچه بعد از پدیدار شدن نخستین جرقه‌های انقلاب (دی‌ماه ۱۳۵۶) به تدریج به درک جدیدی از موقعیت اجتماعی نائل شدند و این موقعیت به تغییر تدریجی مواضع آنان در برابر گروه‌های انقلابی انجامید و همراهی آنان را با گروه‌های انقلابی میسر کرد (امیرمحسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۸). البته این تغییر مواضع معلول عواملی از قبیل ضعف حکومت مرکزی و امیدنداشتن به بقای نظام شاهنشاهی، پشتیبانی توده‌های مردم از روند انقلاب، نگرانی از دست‌دادن موقعیت و نفوذ دینی‌شان در اجتماع، تعامل با روحانیون فعال انقلابی برای دستیابی به پست‌های مهم سیاسی و اجتماعی و... بود (امیرمحسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۸). انعطاف‌پذیری از شاخص‌های رفتار سیاسی این دسته از روحانیون بود که آن‌ها را از زیاده‌روی در پافشاری به یک عقیده سیاسی دور نگه داشته بود (صفائیان، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۹). البته از دیدگاهی دیگر می‌توان این شاخص را موضع سیال آنان در قبال تحولات و رویدادها دانست و آنان را به برنگزیدن رویکردی صریح در مبارزات سیاسی و انقلابی متهم کرد. این روحانیون از مبارزات علنی علیه حکومت واهمه داشتند و خواهان وضعیت پایدار سیاسی و اجتماعی بودند (امیرمحسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۸)؛ بنابراین مخالف هرگونه تنش سیاسی در جامعه و ریخته‌شدن خون بی‌گناهان بر سر دعوای سیاسی بودند و از اقدامات تند انقلابی گریزان بودند (مبارکی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲۱). آنان با استدلال که فعالیت‌های تند انقلابی باعث کشتار و نابودی هزاران تن از افراد جامعه می‌شود، توده‌های مردمی را به گفت‌ووشنودهای مسالمت‌آمیز برای رسیدن به خواسته‌ها و اهداف خود ترغیب می‌کردند و معتقد بودند با بسترسازی مناسب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، روند روبه‌رشدی را برای جامعه می‌توان به بار آورد (صفائیان، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۹). فعالیت‌های آن‌ها شامل فعالیت‌های دینی از قبیل جلسات مذهبی در

ماه مبارک رمضان، برگزاری نماز جماعت، پاسخ‌دادن به مسائل شرعی، دریافت وجوهات شرعی و... و همچنین موضع سیاسی منعطف (از حمایت ضمنی تا انتقاد ضمنی) در قبال حکومت بود. آن‌ها ابتدا سکوت و همراهی نکردن با پدیده انقلاب را در پیش گرفتند؛ ولی بعدها در پی گسترش اندیشه‌های انقلابی به شعور و بینش نوینی در عرصه سیاسی دست یافتند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این جریان از نظر تفکر سیاسی بیشتر همسو با جریان آیت‌الله شریعتمداری بودند؛ هرچند ممکن است برخی از آن‌ها در امور فقهی از آیات دیگری تقلید می‌کردند.

۳. روحانیون انقلابی

به آن دسته از روحانیونی گفته می‌شود که با فرهنگ‌سازی سیاسی در سطحی فراگیر و گسترده، به تغییر مواضع و رویکردهای مبارزاتی و انقلابی میان اقشار مختلف مردم از بازاری تا قشر روشنفکر می‌پرداختند و زمینه آگاهی و اتحاد انقلابی را - که متضمن بینش و شعور سیاسی است - فراهم می‌آوردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این دسته بیشتر تحت تأثیر تفکر و مواضع آیت‌الله خمینی بودند. البته روحانیون انقلابی را می‌توان به دو دسته انقلابی میانه‌رو و انقلابی تندرو تقسیم کرد (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). روحانیون انقلابی میانه‌رو خواهان تغییر وضعیت موجود با سازوکارهایی از این قبیل بودند: سخنرانی‌های تند و آتشین علیه حکومت؛ تحریک مردم به اقدامات اعتراضی نظیر راهپیمایی و اعتصاب در سطحی وسیع و گسترده؛ توزیع اعلامیه‌ها و بیانیه‌های امام؛ تشکیل جلسات سیاسی با حضور روحانیون با ایده‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی برای یافتن راهکاری برای خروج از این وضعیت بحرانی؛ صدور بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و مصاحبه‌هایی برای شفاف‌سازی اذهان عمومی در پی اقدامات ضد‌دینی و ضد‌انسانی حکومت پهلوی؛ و... روحانیونی مانند آیت‌الله شیخ محمدحسین مجتهدی، آیت‌الله سید محمدحسین موسوی‌بلادی، آیت‌الله سیدعلی بهبهانی، حجت‌الاسلام محمد دعاوی، حجت‌الاسلام فضل‌الله مطلق و... در این طیف قرار داشتند (پورخندان، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۵). این گروه مخالف هرگونه رفتار خشن و مسلحانه بودند.

روحانیون انقلابی تندرو به آن دسته از روحانیونی گفته می‌شود که در راستای سیاست تغییر وضعیت موجود علاوه بر اقدامات روحانیون انقلابی میانه‌رو، به فعالیت‌های مسلحانه و شبه‌مسلحانه برای متزلزل ساختن حکومت اقدام می‌کردند. حجت‌الاسلام عبدالکریم بخردیان

و حجت‌الاسلام رحیم شریعتی در این دسته جای دارند (اسلامی، مصاحبه، ۱/۱۳۹۳/۸)؛ البته این دسته به شدت در اقلیت بودند.

شاخص‌های تفکر و مواضع روحانیون انقلابی: مبانی فکری و رفتاری این دسته از روحانیون در چارچوب برچیده‌شدن نظام سیاسی موجود پایه‌ریزی شده بود (امامی بهبهانی، مصاحبه، ۲/۱۳۹۳/۸). در این زمینه آنان با برداشت سیاسی از دین گام نوینی را در عرصه مناسبات دینی با علما و سایر گروه‌های محافظه‌کار برداشتند (درخشنده، حبیب‌الله، مصاحبه، ۱۶/۱۳۹۳/۷). این در حالی بود که علمای سنتی، قلمرو فعالیت روحانیون را محدود به دین و قوانین شرعی می‌دانستند (اسلامی، مصاحبه، ۱/۱۳۹۳/۸). این روحانیون با انتقاد از عملکرد روحانیون سنتی، خواستار انقلاب عظیم فکری و خیزش اجتماعی در سطح کشور شدند (اسلامی، مصاحبه، ۱/۱۳۹۳/۸). این دسته از روحانیون جهت رسیدن به اهداف و رویکردهای سیاسی-اجتماعی خود برنامه بلندمدتی را در قالب تشکیلاتی منسجم و هماهنگ انجام می‌دادند که شامل گروه‌ها و شخصیت‌هایی سیاسی بود که از پیشامدهای ضد‌دینی و ضد مردمی رژیم اظهار نارضایتی می‌کردند و در فرآیندی با روحانیون انقلابی هم‌صدا شده بودند و فعالیت‌های همگرایانه‌ای را انجام می‌دادند (زاهدنژاد، مصاحبه، ۲۰/۱۳۹۳/۷). برخلاف روحانیون محافظه‌کار، هدف این دسته از روحانیون - که سازوکارهای سیاسی و مبارزاتی‌شان نشئت گرفته از افکار و دیدگاه‌های آیت‌الله خمینی بود- نه برقراری دوباره سلطنت مشروطه، بلکه ایجاد شکل جدیدی از حکومت یعنی حکومت اسلامی بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۵۸۶). به همین منظور روحانیون انقلابی با تفسیرهای سیاسی از آیات و روایات و همانندسازی حکومت پهلوی با دولت‌های مستعجل تاریخ، زمینه‌های پذیرش و هماهنگی ایده‌ها و گرایش‌های سیاسی خود را برای مردم فراهم می‌آوردند (محسنی، مصاحبه، ۱۵/۱۳۹۳/۷). یکی از راه‌هایی که فهم رفتار سیاسی و مبارزاتی را برای توده‌های مردم آسان می‌کرد، استفاده از نمادها و تمثیل‌های دینی و مذهبی و شبیه‌سازی عناصر حکومت با شخصیت‌های منفور تاریخ تشیع بود (محسنی، مصاحبه، ۱۵/۱۳۹۳/۷). این روحانیون طی این فرآیند، هماهنگی سیاسی و اجتماعی کارآمدی را در میان توده‌های مردمی ایجاد و از این ابزار کارآمد برای تخریب نظام سیاسی بهره‌برداری مبارزاتی می‌کردند (محسنی، مصاحبه، ۱۵/۱۳۹۳/۷). این تلاش‌ها هنگامی صورت می‌گرفت که سایر روحانیون آنان را به جاه‌طلبی و ریاست دنیوی متهم می‌کردند و

عاقبت خوبی را برای آنان متصور نبودند و تیغ تیز انتقاد در جامعه به‌سوی آنان بود (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱)؛ ولی این روحانیون در برابر موضع‌گیری‌های تنگ‌نظرانه، امید خود را برای تغییر ساختار فکری و سیاسی مردم از دست نمی‌دادند و با تلاش بیشتر، زمینه‌های تحول را در جامعه فراهم می‌آوردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این در حالی بود که علمای سنتی تلاش این دسته از روحانیون را برای تشکیل حکومت اسلامی، مبارزه‌ای گسترده با امام زمان قلمداد و آنان را به کفر آشکار متهم می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). روحانیون انقلابی معتقد بودند که با تشکیل حکومت اسلامی یک قدم به حکومت جهانی امام عصر (عج) نزدیک‌تر می‌شوند و مقدمات تشکیل حکومت امام زمان با راهکارهای آنان ممکن می‌شود (درخشنده، حبیب‌الله، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۶)؛ برای تحقق این امر مهم نیاز به ابزارهای جدیدی بود. یکی از این ابزارها این بود که در برابر تحولات و نوآوری‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی مقاومت نکنند و از این حربه علیه فضای بسته‌ای که حاصل عملکرد رژیم بود استفاده کنند. آن‌ها این تغییر و تحول را به‌منزله آغازی بر پایانی تاریک قلمداد می‌کردند (مبارکی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲۱). یکی دیگر از این ابزارها ائتلاف ایدئولوژیکی و سیاسی با قشر دانشجو و به‌اصطلاح رایج، روشنفکر جامعه بود (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). روحانیون انقلابی در نشست‌هایی که با روشنفکران برگزار می‌کردند از آراء و افکار سیاسی آنان بسان راهکارهای جدید مبارزاتی استفاده می‌کردند. آن‌ها از جزوه‌ها و مقالات روشنفکران برای تغییر مواضع و به‌روزرسانی اندیشه‌های خود استفاده و از آن در جای مطلوب بهره‌برداری می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این رفتار سیاسی باعث ریسک‌پذیری آنان شده بود (صفائیان، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۹). عموم روحانیون شهرستان، به قشر روشنفکر دینی جامعه دید خوبی نداشتند و از آن‌ها با نام غرب‌زده و سکولار یاد می‌کردند (حسن‌زاده، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۳)؛ ولی روحانیون انقلابی با رد این القاب، روشنفکران را عناصری انقلابی معرفی می‌کردند که دیدگاه‌هایشان به رشد اندیشه‌های انقلابی در جامعه کمک و جوانان و سایر گروه‌های مستقل را با مرام‌های روشنفکرانه به دامان انقلاب هدایت می‌کند (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). این روحانیون در این راه از سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی استفاده می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱) از طرف دیگر بازتاب اظهارنظرهای بی‌پرده‌ای که به‌وسیله این دسته از روحانیون صورت می‌گرفت، آنان را گرفتار زندان، تبعید و حبس‌های طولانی‌مدت می‌کرد و

در بعضی مواقع جان خود را هم از دست می‌دادند (جنتی‌پور، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲۰). یکی دیگر از این ابزارها، حکم آیت‌الله خمینی رهبر سیاسی انقلاب ایران به روحانیون انقلابی مبنی بر دخل و تصرف در وجوهات شرعیه در راستای به‌ثمرنشانیدن اقدامات مسالمت‌آمیز سیاسی و مبارزاتی بود (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). روحانیون انقلابی از این منبع درآمد، برای فراهم کردن محیط مناسب فرهنگی استفاده می‌کردند که جلوه بارز آن مجهز کردن مساجد به کتاب‌های فرهنگی و اجتماعی، برای تغذیه فکری و سیاسی جوانان و نوجوانان و همچنین تأمین هزینه‌های چاپ و تکثیر اعلامیه‌های آیت‌الله خمینی و شخصیت‌های سیاسی اثرگذار و مسائلی از این قبیل بود (مهجراتی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶)؛ ولی در این میان برخی از روحانیون انقلابی تندرو با توجه به اولویت‌بندی مبارزه مسلحانه نسبت به سایر راهکارهای مبارزاتی - که ریشه در فضای استبداد و خفقان مؤید عملکرد رژیم داشت - حکم آیت‌الله خمینی را مجوز استفاده از وجوهات شرعیه برای مبارزات خشونت‌بار سیاسی پنداشتند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این روش در شهرستان بهبهان و با اقدامات روحانیون تندرویی مانند حجت‌الاسلام بخردیان، با موفقیت قرین بود و توانست فضای التهاب‌آلود سیاسی حاکم بر شهرستان را به نفع نیروهای انقلابی تغییر دهد و آن‌ها را به فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی امیدوار کند (اسلامی، بهبهان، ۱۳۹۳/۸/۱). از جمله اقدامات بخردیان می‌توان به تشکیل گروه ضربت بهبهان، ساختن انواع نارنجک و بمب‌های انفجاری، خرید سلاح برای ترور داودی - معاون شهربانی - و انفجار کلانتری ۲ بهبهان اشاره کرد. حجت‌الاسلام بخردیان در میان روحانیون انقلابی شهرستان از روحیه و جسارت خاصی برخوردار بود و این صلابتی که در او دیده می‌شد سبب اقبال عمومی مردم در آستانه انقلاب به‌سوی ایشان شد (امیرمحسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۸)؛ ولی علمای محافظه‌کار او را به افراطی‌گری متهم می‌کردند و اقدامات او را مفید نمی‌دانستند و معتقد بودند که درنهایت این اقدامات خشونت‌آمیز او به‌وسیله مأموران حکومتی سرکوب می‌شود (امامی بهبهانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۲). در یک ارزیابی منطقی با توجه به شرایط انقلابی و فضای احساسی حاکم بر جامعه می‌توان اقدامات مسلحانه و شبه‌مسلحانه بخردیان را گامی به‌سوی پیشبرد اهداف انقلابی و درنهایت مبارزه با حکومت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی دانست (امامی بهبهانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۲).

۴. روحانیون طرفدار حکومت

روحانیون طرفدار رژیم به آن دسته از روحانیونی گفته می‌شود که در راستای سیاست استمرار حکومت پهلوی، حمایت صریح و جانب‌دارانه‌ای را از اقدامات حکومت انجام می‌دادند و رژیم را قانونی و مشروع قلمداد می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱) حجج‌الاسلام والمسلمین حسین فقیهی، عبدالله معصومی و محمد پاکباز در این طیف قرار داشتند (شریعتی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۲). این دسته از نظر تابعیت سیاسی بیشتر تابع تفکر و مواضع آیات عظام خوانساری و بهبهانی بودند.

شاخص‌های تفکری و مواضع روحانیون طرفدار حکومت: ساختار فکری و رفتاری این دسته از روحانیون بر پایه اعتقاد به نظریه و ایدئولوژی سلطنت بنا شده بود (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این گروه در توجیه رفتار سیاسی خود به سخن «السلطان ظل الله» استناد می‌کردند. آنان برای شخص شاه مشروعیت قائل بودند و هرگونه اقدامی را در جهت تخریب چهره نظام شاهنشاهی بر نمی‌تافتند. رفتار سیاسی روحانیون طرفدار رژیم آنان را به حمایت صریح از اقدامات حکومتی وادار کرده بود. آن‌ها درباره سیاست‌های ضددینی رژیم تفسیرهای دین‌دارانه عرضه می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). رویکرد سلطنت‌مآبانه در جامعه سنتی و مذهبی شهرستان در دهه بررسی شده در این پژوهش با کمترین اقبال عمومی مواجه شد (درخشنده، حبیب‌الله، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۶). هرچه پیروزی انقلاب نزدیک‌تر می‌شد، رویگردانی مردم نیز از این دسته بیشتر می‌شد. اصولاً مردم کمتر به این‌گونه روحانیون توجه می‌کردند و از آنان گریزان بودند. این دسته از روحانیون عناصر مطلوب جامعه تلقی نمی‌شدند. حمایت حاکمیت از آنان از نظر سیاسی و مادی زمینه بر خورداری آنان را از رفاهی نسبی در مقایسه با سایر روحانیان فراهم ساخته بود (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳). تلقی مردم از زندگانی اشراف‌منشانه آنان این بود که این نوع زندگی با فلسفه وجودی روحانیت در تعارض است. در دیدگاه مردم، روحانیون همواره الگوی زندگی اجتماعی خود را براساس شریعت اسلام و زندگانی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و بزرگان دین - که اغلب فقری نسبی داشتند - قرار داده بودند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). هرچند اعتقاد به فقر نسبی امامان و علما از نظر تاریخی نیز مردود شناخته شود ولی این باور ریشه دیرینه‌ای داشت. در تفکر مردم نوعی رابطه هم‌سازانه بین دین و فقر وجود داشت. ثبات وضعیت اقتصادی این دسته از روحانیون

- که محصول نزدیکی با دولتمردان محسوب می‌شد- باعث شد تا روند تعاملات این دسته از روحانیون با حکومت رشد فزاینده‌ای داشته باشد (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). حکومت از این روحانیون مانند مهره‌های کارآمد در جهت بهره‌گیری‌های سیاسی خود، استفاده می‌کرد (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). این روحانیون همگام با حکومت، در نشست‌های سیاسی‌ای که با حضور روحانیون طیف‌های مختلف سیاسی برگزار می‌شد، مهره‌های نفوذی رژیم تلقی می‌شدند و اغلب هم مواضع منفعلانه‌ای اتخاذ می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این روحانیون بعضی مواقع نیز برحسب شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه به حمایت ظاهری خود از فعالیت‌های انقلابی و مبارزاتی مبادرت می‌کردند که این رفتار سیاسی نیز در راستای اجرای سیاست‌های برنامه‌ریزی شده حکومت محسوب می‌شد (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). روحانیون همگام با حکومت بخش مهمی از موقعیت و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را مدیون حاکمیت می‌دانستند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). باید گفت حاکمیت تفکر انقلابی در جامعه امروز هم موجب شده‌است چهره این دسته از روحانیون تیره‌تر از واقعیت‌های موجود نشان داده شود. روحانیون حامی حکومت مواضع خود را به دلیل منافع دنیایی نمی‌دانستند بلکه گاهی حتی نوعی تقیه تلقی می‌کردند. از دیدگاه این طیف از روحانیون، اقدامات جانب‌دارانه از حکومت را می‌توان موضع ترس آنان از رژیم قلمداد کرد (پاکباز، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۳). برخی نیز مشارکت در گسترش فرهنگ دینی را در لایه‌های حاکمیتی تعبیر می‌کردند و به حضور حضرت موسی در دربار فرعون و علی بن یقطین در دربار خلیفه عباسی به دستور امام صادق (ع) ارجاع می‌دادند. آن‌ها هرگونه همکاری با حاکمیت را ضرورتاً به معنی دنیاگرایی و حمایت از ظلم تلقی نمی‌کردند و آن را ابزاری برای بازداشتن حاکمیت از ظلم بیشتر می‌دانستند.

اینکه کدام‌یک از دیدگاه‌های فوق سنخ‌شناسی از مقبولیت برخوردارند، امری نسبی است؛ زیرا با توجه به تنوع و تعدد اندیشه‌ها و رویکردهای سیاسی قابل تفسیر و تبیین‌های گوناگون است.

مواضع سیاسی روحانیون در قبال رویدادهای انقلابی

الف. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و موضع‌گیری روحانیون

سرکوب واقعه ۱۵ خرداد که حلقه‌ای از زنجیره سرکوب حرکت‌های اعتراضی به وسیله حکومت در راستای تداوم سیاست سرکوب بود، روحانیون انقلابی را در سازمان‌دهی رفتار سیاسی مشترک

و قاعده‌مندساختن مواضع و رویکردهای سیاسی فعال کرد (درخشنده، حبیب‌الله، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۶).^۱ روحانیون سنتی و طرفدار حکومت موضع سکوت و رخوت سیاسی را در قبال این رویداد اتخاذ کردند (درخشنده، حبیب‌الله، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۶). آیت‌الله مجتهدی از روحانیون انقلابی در امامزاده ابراهیم (علیه‌السلام) سخنرانی روشنگرانه‌ای ایراد و مردم را از حوادث کشور آگاه کرد و همچنین اعتراض خود را به دستگیری آیت‌الله خمینی بیان کرد (محمدیان و مجتهدی، ۱۳۹۱، صص ۳-۴). به‌دنبال اعلام مواضع صریح آیت‌الله مجتهدی، حجت‌الاسلام عبدالکریم بخردیان نیز فعالیت‌های تند انقلابی خود را آغاز کرد (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). حجت‌الاسلام بخردیان از روحانیون جوان انقلابی در پی یک سخنرانی به حمایت صریح از آیت‌الله خمینی پرداخت. سخنرانی تند و افشاگرانه ایشان سبب شد که شهربانی او را احضار و مدتی او را بازداشت کند (نحوی، ۱۳۷۵، ص ۱۱). دستگیری بخردیان موجی از نارضایتی مردمی را به‌دنبال داشت (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). مردم در ابتدا به‌صورت جسسته‌وگریخته به اقدام دولت اعتراض می‌کردند؛ ولی در اندک مدتی دامنه اعتراضات گسترده شد، به‌طوری‌که اقشار مختلف مردم از فرهنگی، بازاری، و کارمند در تظاهرات‌ها با صدایی رسا آزادی ایشان را خواستار شدند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱).^۲ فشارهای مردم به حدی زیاد شد که شهربانی چاره‌ای جز آزادی ایشان نداشت و به‌ناچار وی را آزاد کرد (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این موفقیت را اقدام سومی تکمیل کرد و آن مهاجرت آیت‌الله سیدعلی بهبهانی از روحانیان محافظه‌کار به تهران در اعتراض به دستگیری آیت‌الله خمینی به دعوت آیت‌الله شریعتمداری بود (درخشنده، حبیب‌الله، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۶). با عنایت به حضور مراجع بزرگ در این واقعه، روحانیون سنتی یا حامی حکومت سکوت اختیار کرد؛ ولی گهگاه در ضمن صحبت‌های خود مانند حجت‌الاسلام پاکباز و فقیه‌ی حفظ خون مسلمان را واجب می‌دانستند و توصیه می‌کردند مسلمان باید از هر حرکتی که به ریخته‌شدن خون مسلمان بینجامد خودداری کنید. واکنش این دسته‌ها به توصیه‌های ضمنی محدود شده بود.

۱. البته این واقعه تنها روی روحانیون تأثیر نگذاشت، بلکه دیگر سطوح منتقد جامعه را نیز از مذهبی‌های مخالف حکومت تا گرایش‌های چپ و ملی متأثر ساخت.
۲. درباره مهاجرت علما به تهران و شهرری در اعتراض به دستگیری آیت‌الله خمینی رک به: حسن‌زاده، اسماعیل. (۱۳۸۸). «تحلیل رفتار سیاسی عالمان شیعی: پدیده مهاجرت چهل‌روزه». فصلنامه علمی و پژوهشی *مطالعات تاریخ اسلام*، پژوهشکده تاریخ اسلام، شماره ۳، زمستان، صص ۳۷-۶۰.

ب. تبعید امام به ترکیه و موضع گیری روحانیون

واکنش حاد و سریع مراجع عالی قدر قم به خصوص بیانات نافذ و مهیج آیت الله خمینی درباره کاپیتولاسیون در حضور هزاران نفر از قشرهای گوناگون مردم در شهر مقدس قم و اعلامیه هیجان انگیز ایشان که در تیراژ وسیعی منتشر شد، بار دیگر موجی از هیجان و عصبانیت عمومی را بر ضد «رژیم خودباخته و بیگانه پرست» به دنبال آورد. شاه که سخت عصبانی شده و از نفوذ فوق العاده و انعکاس سخنان آیت الله خمینی «زعیم عالی قدر» در قشرهای مختلف مردم به تنگ آمده بود، چون وجود ایشان را در ایران سد بزرگی بر سر راه مقاصد خود می دانست، او را بازداشت و بلافاصله به ترکیه تبعید کرد (دوانی، ۱۳۷۷، ص ۳۳). این رویداد موضع گیری هایی را در میان روحانیون شهرستان به وجود آورد. روحانیان شهرستان به همین مناسبت نامه ای حمایت آمیز تنظیم و به امام ارسال کردند. محتوای این نامه بیشتر در حمایت از شخص آیت الله خمینی و پیایندهای ناگوار علمی و مذهبی تبعید ایشان بر حوزه های علمیه متمرکز شده بود. در این نامه، جرم ایشان را «دفاع از حریم مقدس قرآن و اسلام» دانسته بودند؛ در حالی که در واقع این موضوع وظیفه دینی ایشان بود. آن ها در این نامه اشاره ای به حکومت نکردند و تنها توصیه کردند: «امید است اولیاء امور به اشتباه خود متوجه شده، بدانند بازگشت «معظم له» به صلاح مملکت است.» این نامه به امضای شخصیت های روحانی با گرایش های متعدد رسید مانند: فرج الله مصطفوی، محمدحسین مجتهدی، محمدحسین موسوی بلادی، محمدرحیم مرتضوی، جعفر سلیمانی، جواد سلیمانی، رحیم شریعتی، عبدالکریم محقق، فضل الله مطلق، عبدالکریم مرتضوی (اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷؛ ابوعلی، ۱۳۹۳، صص ۱۲۱-۱۲۴). نکته قابل توجه در این نامه حمایت آمیز سیاسی امضای چند دسته از روحانیون با ایده ها و گرایش های گوناگون سیاسی است مانند: روحانی سنتی (فرج الله مصطفوی)؛ روحانیون محافظه کار (رحیم مرتضوی، جعفر سلیمانی، جواد سلیمانی، عبدالکریم مرتضوی، عبدالکریم محقق)؛ روحانیون انقلابی (محمدحسین مجتهدی، محمدحسین موسوی بلادی، فضل الله مطلق، رحیم شریعتی) (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱).

در توجیه ورود روحانیون سنتی و محافظه کار به عرصه سیاست در آن مقطع حساس می توان گفت که این دسته از روحانیون دستگیری و تبعید آیت الله خمینی را در جهت تکمیل اقدامات ضد دینی حکومت می دانستند (محقق، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۷)؛ آن ها همچنین این اعتراض

را در حفظ انسجام صنفی و دفاع از نهاد روحانیت تلقی می‌کردند؛ و در این عمل سیاسی، صرف‌نظر از دیدگاه‌های فقهی و سیاسی - که به تفاوت در رویکردها می‌انجامید - در نامه‌ای که از محتوای انتقادی علیه رژیم برخوردار بود، اعتراض خود را به دستگیری و تبعید آیت‌الله خمینی ابراز کردند و آزادی ایشان را خواستار شدند (محقق، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۷). پشتوانه رفتار سیاسی این دسته از روحانیون با توجه به مشی سیاسی مرسوم، فکر دینی آنان قلمداد می‌شد (محقق، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۷). همچنین این هماهنگی به‌نوعی بازنمایی یا انعکاس یکپارچه‌گی آیات عظام در قم و سایر حوزه‌های علمیه بود. این روحانیون در ارزیابی وضعیت موجود، رویکرد رژیم را در راستای سیاست‌های نفی دین و مظاهر اسلامی می‌دانستند، که جهت‌گیری سیاسی آن به‌صورت تبعید آیت‌الله خمینی - که در آن زمان مرجعیت ایشان نیز مطرح بود - پدیدار شده بود (محقق، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۷).

البته این مسئله را از نگاهی دیگر نیز می‌توان بررسی کرد. روحانیون با وجود گسست‌های عمیقی که در اتخاذ مواضع سیاسی درباره تحولات انقلابی داشتند، اتحادی ولو ظاهری هم داشتند و تلاش آنان بر این اصل استوار بود که اختلافات و رقابت‌ها - که از تفسیرها و تبیین‌های گوناگون در عرصه سیاست، اجتماع، دین، و... ناشی می‌شود - نباید به غیر نفوذ کند. آن‌ها تبعید آیت‌الله خمینی را به ترکیه در لباس روحانیت توهینی به تمام روحانیون، با آراء و اندیشه‌های گوناگون تلقی می‌کردند (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). آیت‌الله سید علی بهبهانی از روحانیون انقلابی با صدور بیانیه‌ای که لحن تندی داشت، به‌خوبی جهت‌گیری رفتار سیاسی طیف روحانیون انقلابی را در این رویداد نشان داد.

این نامه از چند جهت قابل بررسی است. نخست اینکه اعلامیه از یک روحانی شهرستانی از خاندان بهبهانی با خاستگاه اجتماعی و دینی بالا با گرایش‌های سیاسی تند انقلابی صادر شده‌است. دوم اینکه در این اعلامیه سعی شده‌است بر تفاوت دیدگاه روحانیت سرپوش گذاشته شود و آن‌ها را دارای یک دیدگاه با آگاهی طبقاتی بالا برای حفظ دین معرفی کند و گسست‌های ناشی از تفاوت دیدگاه بین علما را نادیده بگیرد و سوم اینکه، آیت‌الله خمینی را دلسوز دین، ملت و کشور و ضد استعمار و نفوذ بیگانگان معرفی کند و برخورد با ایشان را - که در جهت انجام وظایف دینی خود عمل می‌کرد - عملی ننگین و برخلاف اصول انسانیت بداند؛ همچنین حکومت پهلوی را مخالف اسلام معرفی کند و بر ناکارآمدی آن در رفع فقر و بیکاری تأکید کند.

درضمن به جراید و وکلای مجلس هم به دلیل توهین به آیت‌الله خمینی حمله کرده‌است. این محورها تقریباً در گفتمان انقلابی امری جاافتاده و عادی بوده‌است. اهمیت این نامه اعتراضی زمانی خود را نشان می‌دهد که آن را با اعلامیه قبلی تعداد زیادی از روحانیان شهر مقایسه کنیم این نامه نه از لحاظ ادبی و نه از لحاظ محتوایی و حتی حجم کلمات با نامه قبلی قابل‌مقایسه نیست (دوانی، ۱۳۸۷، صص ۱۳۶-۱۳۷).

پ. واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶ و موضع‌گیری روحانیون

یکی از وقایع مهمی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوست و از آن به صورت جرقة انقلاب نیز یاد کرده‌اند، قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ مردم قم بود. در تاریخ هفدهم دی ماه ۱۳۵۶ ش، در روزنامه/اطلاعات مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» با نام مستعار احمد رشیدی مطلق چاپ شد که در آن از روحانیت به ارتجاع سیاه نام برده شده و به آیت‌الله خمینی توهین شده بود. این مقاله خشم مردم و زعما و فضایی حوزه علمیه قم را برانگیخت. روز ۱۹ دی ماه به طلاب، روحانیون و دانش‌آموزان و دیگر اقشار مردم زمانی که از منزل یکی از علما برمی‌گشتند، حمله شد (حسن‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۶۶). کشتار طلاب و مردم قم در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۵۶ باعث شد، که اعتراض‌ها و نارضایتی‌ها از درون روحانیت به جامعه راه یابد و تبدیل به موضع‌گیری سیاسی میان جناح‌های مختلف روحانیون شود (اسلامی، مصاحبه، ۱/۱۳۹۳/۸) در این رابطه، اولین کسی که سخنرانی روشنگرانه‌ای در شهرستان انجام داد، شیخ حسن حسن‌زاده کاشمیری^۱ بود (نصیرخانی، مصاحبه، ۱۰/۱۳۹۳/۷). این سخنرانی در شهرستان باعث به‌وجود آمدن اتحادی سیاسی، اجتماعی میان روحانیون شد. بازتاب این اتحاد در تشکیل اجتماعی از روحانیون برای تصمیم‌گیری درباره رفتار سیاسی مشترک، و ایجاد هماهنگی فکری و رفتاری بین روحانیون بود (نصیرخانی، مصاحبه، ۱۰/۱۳۹۳/۷). ساواک خوزستان درباره تشکیل جلسه روحانیون

۱. حجت‌الاسلام حسن‌زاده کاشمیری در سال ۱۳۲۶ در کاشمر از توابع خراسان متولد شد. تحصیلات حوزوی خود را تا مقطع خارج ادامه داد. حسن‌زاده همزمان با اوج‌گیری مبارزات علیه رژیم پهلوی، بر شدت فعالیت‌های خود افزود به طوری که چندین بار به وسیله ساواک دستگیر و زندانی شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم کاشمر به نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی انتخاب شد (نگاه کنید به: شعاع‌حسینی، فرامرز، ۱۳۸۷). **خاطرات حسن‌زاده کاشمیری، علی خاتمی، محمد کاظم شکری.** (چ ۱). انتشارات عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۱).

شهرستان در منزل رحیم شریعتی برای اعلام پشتیبانی از مردم قم و انجام اقدامات علیه دولت گزارش داده‌است که: تعدادی از روحانیون با گرایش‌های سیاسی مختلف دربارهٔ یک واقعهٔ مربوط به روحانیت منسجم عمل کرده‌اند. هرچند گزارش سعی دارد به وجود دودستگی پنهانی بین آنان اشاره کند و نوعی تردید را تلقین می‌کند که تعدادی از روحانیون به‌ویژه وابستگان به دولت تمایل چندانی به صدور اعلامیه نداشتند. اعلامیه نیز به سه تن از مراجع قدرتمند زمان یعنی آیات شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی فرستاده شد (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهبهان، شماره ۳۳۵۸۰، ص ۱۱۲). نکتهٔ مهم و اساسی در این نشست، وجود روحانیونی با طیف‌های گوناگون سیاسی بود (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). عبدالله معصومی و حسین فقیهی (طرفدار رژیم) جعفر و جواد سلیمانی، محمدعلی سعادت، حسن مدرس، عبدالباقی اثنی عشری (محافظه‌کار) رحیم شریعتی (انقلابی) (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). می‌توان در یک ارزیابی کلی دربارهٔ موضع‌گیری سیاسی روحانیون در این جلسه این‌گونه گفت:

روحانیون محافظه‌کار: پشتیبانی توده‌های مردمی از این پدیدهٔ تاریخی، درک جدیدی را از شرایط و تحولات اجتماعی برای روحانیون محافظه‌کار به وجود آورد. این روحانیون به فهم مشترک رفتار سیاسی و مبارزاتی با روحانیون انقلابی دست یافتند. حضور آنان در این جلسهٔ هم‌اندیشی - که برای محکومیت این رویداد ضد‌مردمی تشکیل شده بود - مؤید عملکرد آنان است و از تغییر بینش و شعور سیاسی این دسته از روحانیون حکایت دارد (پورخندان، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۵).

روحانیون طرفدار رژیم: دربارهٔ حضور این دسته از روحانیون در این نشست دو تحلیل متفاوت سیاسی می‌توان برشمرد:

۱. ظاهراً چنانچه از مفاد سند برمی‌آید، رفتار سیاسی روحانیون طرفدار حکومت (معصومی و فقیهی) برخلاف اظهار نظر مردم می‌نماید؛ زیرا اگر بر این باور باشیم که گزارشگر ساواک واقعه را درست گزارش می‌دهد، تأخیر در امضا به وسیلهٔ شریعتی بانی جلسه و معصومی، طرفدار دولت به چه معنی می‌تواند باشد؟ جالب اینکه طبق گزارش، اعلامیه را حسین فقیهی آماده کرده یا دست‌اندرکار تهیه و اخذ امضا بوده‌است. پس می‌توان در برداشت اول بر اساس مفاد سند، و نه واقعیت؛ امر قضاوت مردمی را دربارهٔ (معصومی و فقیهی) ناشی از سوءظن دانست تا واقعیت.

۲. مشی سیاسی این دسته از روحانیون در شرایط و تحولات سیاسی و اجتماعی، راهکارهای مختلفی را طلب می‌کرد که در جهت مقاصد و منافع حکومت برنامه‌ریزی شده بود (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این دسته از روحانیون براساس اندیشه سیاسی حمایت از سلطنت در این نشست سیاسی حضور یافتند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱) و با این عمل سیاسی دو هدف مهم را دنبال می‌کردند:

الف. از دیدگاه سایر روحانیون درباره این رویداد اطلاع کسب نمایند و در صورت امکان در تعدیل‌سازی دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی آنان گام بردارند.

ب. قدرت چانه‌زنی سیاسی خود را در تصویب‌نشدن بیانیه‌ای که لحنی تند و انتقادی علیه حکومت نداشته باشد، افزایش دهند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱).

پس می‌توان موضع سیاسی این روحانیون را در این نشست سیاسی در راستای حمایت از حکومت قلمداد کرد نه از حیث حمایت از انقلابیون (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). در تبیین این نظر می‌توان این‌گونه استدلال کرد که در ساختار فکری و سیاسی این دسته از روحانیون مفاهیمی همچون انقلاب، مواضع انقلابی، مبارزه برای تغییر وضعیت موجود و... جایگاهی نداشت. آنچه در مشی سیاسی آنان جایگاه ویژه‌ای داشت، تحکیم پایه‌های سلطنت با رویکردهای گوناگون بود. آن‌ها برای رسیدن به اهداف مدنظر خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند تا به نتیجه مطلوب دست یابند (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶).

موضع روحانیون انقلابی: روحانیون انقلابی در این نشست سیاسی، موضع صریح و قاطع خود را در جهت حمایت از انقلابیون قم ابراز و بیانیه‌ای تند را در محکومیت اقدام حکومت صادر کردند و به اطلاع عموم رساندند (جنتی‌پور، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲۰).

مواضع سیاسی روحانیون درباره اندیشه‌های علی شریعتی:

علی شریعتی فعالیت‌های سیاسی خود را در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با عضویت در شاخه‌ای از نهضت مقاومت ملی آغاز کرده بود. او پس از بازگشت به ایران استاد جامعه‌شناسی، فلسفه، و معارف اسلامی دانشگاه مشهد شد؛ ولی پس از مدتی از تدریس در دانشگاه ممنوع شد. سپس مرتضی مطهری او را به تهران دعوت کرد. او در حسینیه ارشاد با ایراد سخنرانی‌های پرشور به فعالیت خود ادامه داد. سرانجام ساواک به دنبال افشاگری‌های

شریعتی حسینیۀ ارشاد را تعطیل و دکتر شریعتی را دستگیر و روانۀ زندان کرد (جنتی پور، بهبهان، ۱۳۹۳/۷/۲۰).

روش‌ها و دیدگاه‌های شریعتی در میان طیف‌های روحانیون، موضع‌گیری‌های متفاوتی را به دنبال داشت. در زیر به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

روحانیون سنتی: افکار و اندیشه‌های شریعتی - که برداشت سیاسی جدیدی را از دین اسلام عرضه می‌کرد و اسلام را سلاح مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی قلمداد می‌کرد - با مخالفت صریح روحانیون سنتی مواجه شد (زاهدنژاد، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲۰). شریعتی قائل به اسلام سیاسی و مبارزاتی بود؛ ولی این دیدگاه از نظر روحانیون سنتی مفسده‌آمیز تلقی می‌شد و آن‌ها به شدت به مبارزه و طرد این فکر سیاسی می‌پرداختند (زاهدنژاد، مصاحبه، ۲۰/۷/۱۳۹۳). موضع‌گیری سیاسی روحانیون سنتی در برابر شریعتی خصمانه بود و بر نفی روش‌ها و رویکردهای مذهبی و سیاسی او تکیه داشت (زاهدنژاد، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲۰). بعید به نظر می‌رسد علمای سنتی چیزی از آثار شریعتی را خوانده باشند. بارها آیت‌الله مصطفوی و دیگران اعلام می‌کردند برای ما که قرآن و نهج‌البلاغه داریم، نیازی به کتاب‌های دیگر نیست؛ چون همه چیز در قرآن و احادیث آمده است. این موضع‌گیری در اواسط دهه پنجاه با افزایش اختلاف مطهری و شریعتی در حسینیۀ ارشاد تشدید شد (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳). حتی شنیده بودیم برخی از دانشجویان شیطنت‌هایی در این زمینه می‌کردند و از علما چیزهایی از مسائل روز می‌پرسیدند که آن‌ها نمی‌دانستند؛ چون از نظر مطالعه به‌روز نبودند (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳).

روحانیون محافظه‌کار: روحانیون محافظه‌کار - که موضع سیال سیاسی در قبال تحولات و رویدادهای اجتماعی اتخاذ می‌کردند - در برابر آراء شریعتی موضع سکوت یا انتقاد ضمنی و علنی را در پیش گرفته بودند (محسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۵). در این دوره تعدادی از دانشجویان بهبهانی که به مساجد روحانیون محافظه‌کار و انقلابی رفت‌وآمد می‌کردند، پرسش‌هایی مطرح ساختند. ظاهراً چندی قبل از آن فتواهایی علیه شریعتی از آیات عظام مانند گلپایگانی و خویی و... مطرح شده بود. از سوی دیگر، آیت‌الله خمینی اظهار نظری جدی و تأییدآمیز درباره او نکرده بود. این زمینه‌ها باعث شد تا روحانیون با احتیاط بیشتر در این زمینه سخن بگویند. در بین علمای بهبهان انسجام موضعی در این زمینه نمی‌توان پیدا کرد. اثنی‌عشری، سعادت، سلیمانی

و دیگر محافظه‌کاران در نفی شریعتی گاهی به مضمون سخن می‌گفتند؛ مثلاً یکی از علمای محافظه‌کار از ایشان به‌عنوان «دکتر اسلام‌شناس» یاد کرده بود. علمای انقلابی برخی مانند موسوی بلادی و بهبهانی اظهار نظر رسمی و علنی نکرده بودند برخی هم مانند مجتهدی در محفل‌های خصوصی به انتقاد ضمنی می‌پرداختند؛ ولی به دلیل ارتباط وثیقی که بین این‌ها و دانشجویان وجود داشت سعی می‌کردند جملات انتقادی خود را در قالب اصلاحی بیان کنند؛ ولی بعدها که روزنه‌ای جدید در فکر سیاسی و انقلابی آن‌ها به وجود آمد، به حمایت ضمنی از آثار و اندیشه‌های شریعتی پرداختند و از مثنوی وی به‌مثابه فکر سیاسی نوینی در عرصه فعالیت‌های مبارزاتی استفاده کردند (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳). این نوع رویکرد موجب شد در اذهان برخی از مصاحبه‌شوندگان بار حمایتی آنان از آراء شریعتی پررنگ‌تر از مخالفتشان باشد.

روحانیون انقلابی: روحانیون انقلابی براساس مواضع باز فکری و سیاسی‌شان دربارهٔ خدادهای اجتماعی، از آراء و اندیشه‌های شریعتی حمایت و از آن مانند رویکردی سیاسی و انقلابی - که توان جذب گستردهٔ جوانان و دانشجویان را دارد - حداکثر استفاده را می‌کردند و در این راه نیروهای بالقوه‌ای را به‌سوی انقلاب هدایت می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). روحانیون انقلابی، کتاب‌ها، نوارها و جزوه‌های ایشان را مطالعه و از تقابل نداشتن اندیشه‌های شریعتی با اسلام صحبت می‌کردند؛ زیرا یکی از اتهاماتی که در فضای عمومی علیه آراء و افکار شریعتی در جریان بود، او را حامی غرب و مخالف اندیشه‌های اسلامی قلمداد می‌کرد (محسنی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۱۵). روحانیون انقلابی در سخنرانی‌های گسترده، سعی خود را در خنثی‌سازی این اتهام به کار بستند و با موفقیت‌های زیادی روبرو شدند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). عبدالکریم بخردی و رحیم شریعتی خودشان تحت تأثیر دیدگاه‌های انقلابی و اصلاحی علی شریعتی قرار داشتند و از صحبت‌های آنان چنین برمی‌آمد که برخی از آثار او را مطالعه کرده بودند؛ ولی نمی‌توان دقیقاً بین علمای انقلابی غیر تندرو، خط فاصلی بین گرایش به اندیشه‌های شریعتی و نگاه ابزاری بدان پیدا کرد. از مصاحبه‌ها چنین برمی‌آید که آن‌ها نگاه ابزاری داشتند و بیشتر برای اینکه دانشجویان را از دست ندهند چنین رویکردی اتخاذ کرده بودند؛ ولی دربارهٔ دو عالم انقلابی تندرو (عبدالکریم بخردی و رحیم شریعتی) می‌توان از تأثیرپذیری و اعتقاد به دیدگاه شریعتی سخن گفت.

روحانیون طرفدار حکومت: موضع‌گیری این دسته از روحانیون به دلیل مبارزه سیاسی شریعتی با رژیم، بر انکار و طرد آراء وی استوار بود (شریعتی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۱۲/۷). این دسته از روحانیون از بسط و گسترش اندیشه‌های شریعتی به شدت واهمه داشتند، زیرا آن را محرک سیاسی جوانان و توده‌های روشنفکر جامعه علیه رژیم قلمداد و از هر فرصتی برای کم‌رنگ کردن آراء وی استفاده می‌کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). آیت‌الله خمینی بعد از شهادت شریعتی اطلاعیه‌ای صادر کرد و در آن فقدان دکتر شریعتی را به تمام دانشجویان خارج از کشور تسلیت گفت. یکی از روحانیون طرفدار حکومت (به روایتی فقیهی) در ابتدا از چاپ و تکثیر این بیانیه جلوگیری کرد؛ ولی با تلاش گسترده جوانان، اطلاعیه در ۵۰۰ نسخه چاپ شد و در اختیار مردم شهر قرار گرفت (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). این دسته از علما تنها به دلیل مواضع ضدحکومتی شریعتی با او مخالف نبودند، بلکه حجت‌های قوی از برخی مراجع بزرگ نیز در دست داشتند که آن‌ها شریعتی را نفی کرده بودند. واقعیت آن است که کمی دشوار است که بین این دو مخالفت تفکیک قائل شویم که چه بخشی از این مخالفت‌ها برای همراهی با حکومت و چه بخشی برای وظیفه دینی بود؛ شاید این برداشت را بتوان به سایر مواضع آن‌ها نیز سرایت داد.

مواضع سیاسی روحانیون درباره شهادت حاج آقامصطفی خمینی

رحلت ناگهانی حاج آقامصطفی خمینی در اول آبان ماه ۱۳۵۶ ش موج تازه‌ای از اعتراضات مردمی را به دنبال داشت. اهمیت حادثه از این جهت بود که فوت ایشان ناگهانی و به طرز مشکوکی صورت گرفته بود. اولین گزینه‌ای که مردم حدس می‌زدند، این بود که پشت‌پرده این اتفاق شاه و عواملش هستند که برای ضربه زدن به نهضت آیت‌الله خمینی این کار را انجام داده‌اند (مبارکی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۷/۲۱). خبر شهادت حاج آقامصطفی موضع‌گیری سیاسی گوناگونی را در میان روحانیون شهرستان به همراه داشت. در زیر به بررسی مواضع آن‌ها پرداخته می‌شود.

موضع سیاسی روحانیون سنتی: موضع‌گیری روحانیون سنتی در شهادت حاج آقامصطفی

خمینی بر پایهٔ دین و مذهب بنیان شده بود (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). این نگاه دینی در ساختار فکری و سیاسی این دسته از روحانیون قابل بررسی و ارزیابی است (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱). به مناسبت شهادت مصطفی خمینی مجلس ترحیمی در مسجد سید فقیه با حضور حجت‌الاسلام احمد بخردی (روحانی سنتی) برگزار شد (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶) ایشان در این مجلس ترحیم با اذعان به چندوجهی بودن شخصیت حاج آقامصطفی خمینی، فقط وجههٔ دینی شخصیت ایشان را محور مباحث سخنرانی قرار داد و از طرح مسائل سیاسی - که موتور محرکهٔ توده‌های مردم برای مبارزات سیاسی و انقلابی بود - اجتناب کرد (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). دعوت از ایشان برای سخنرانی به‌وسیلهٔ عالمان انقلابی براساس یکسری مصلحت‌ها صورت گرفته بود. او تاحدودی به بی‌طرفی و نداشتن مواضع تند معروف بود. بودن او بالای منبر حساسیت حکومتیان را کم می‌کرد؛ از این رو، پایان آرام و بدون تنش مجلس ختم و حضور تعداد قابل توجه علمای نامبرده در بالا مؤید این دیدگاه بود.

موضع سیاسی روحانیون محافظه‌کار: این دسته از روحانیون، موضع دوگانهٔ سیاسی را درقبال این رویداد برگزیدند (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳). آن‌ها به‌دلیل تبعات سیاسی و روانی این پدیده در ابتدا موضع سکوت و همراهی نکردن با روحانیون انقلابی را در دستور کار خود قرار دادند (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳)؛ ولی در اندک مدتی به‌محض اطلاع‌یافتن از جهت‌دهی سیاسی افکار عمومی در حمایت از آیت‌الله خمینی به محکومیت تلویحی این رویداد پرداختند (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳). نکتهٔ مهم و اساسی در محکومیت این حادثه به‌وسیلهٔ روحانیون محافظه‌کار در این بود که آنان به انتقاد صریح از رژیم برخاستند، چون این ویژگی از بی‌ثبات بودن رفتار سیاسی آنان در تحولات و رویدادهای سیاسی، اجتماعی ناشی می‌شد (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). برخی از آن‌ها مانند اثنی‌عشری در محافل خیلی خصوصی از ویژگی‌های علمی مصطفی خمینی سخن می‌گفتند. حتی یکی از علمای این دسته گفته بود که مصطفی خمینی قربانی تندروی‌های پدرش شد؛ منتها چنین اظهارنظرهایی به‌دلیل جو انقلابی جایگاهی نیافت.^۱

موضع سیاسی روحانیون انقلابی: موضع‌گیری این دسته از روحانیون، صریح و قاطع

۱. تعدادی زیادی از مصاحبه‌شوندگان از چنین اظهارنظری بی‌اطلاع بودند و مصاحبه‌شونده نیز حاضر نشد نام این عالم را مطرح کنند. شاید به‌این دلیل است که این‌گونه اظهارنظرها در محفل‌های بسیار خصوصی مطرح می‌شد و حاضر به افشای آن نیستند.

بود و رژیم را مسئول این جنایت قلمداد کردند (اسلامی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۱) روحانیون انقلابی ضمن محکومیت این حادثه، خواهان برخورد صریح با مسببان این حادثه شدند (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶). به همین مناسبت حجت‌الاسلام عبدالکریم بخردیان در مسجد سلطان محراب سخنرانی کوبنده و افشاگرانه‌ای ایراد کرد و از مقاصد رژیم در این جنایت پرده برداشت و مسئولیت این عمل را مستقیماً برعهده رژیم دانست (مهاجرانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۶).

موضع سیاسی روحانیون طرفدار رژیم: برخی از روحانیون طرفدار حکومت مانند فقیهی این حادثه را دستاویز گروه‌های انقلابی برای حمله به حکومت قلمداد می‌کردند (امامی بهبهانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۲) و معتقد بودند که این‌گونه حوادث نمی‌تواند در ارکان نظام شاهنشاهی خللی وارد سازد (امامی بهبهانی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۲). آنان ضمن انتقاد از رواج نظری که مسئله فوت مصطفی خمینی را توطئه برنامه‌ریزی‌شده رژیم می‌دانست، آن حادثه را مرگ طبیعی قلمداد می‌کردند (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳). آن‌ها رواج چنین نظری را در جامعه یک بازی سیاسی تلقی می‌کردند که طرفداران آیت‌الله خمینی آن را به‌منظور بهره‌برداری سیاسی تبلیغ و ترویج و از آن استفاده مطلوب می‌کنند (ابوعلی، مصاحبه، ۱۳۹۳/۸/۳). اظهارنظرهای بعدی انقلابیون و برخی از نزدیکان آیت‌الله خمینی در سال‌های بعد درستی دیدگاه این دسته از عالمان را نشان داد.

نتیجه‌گیری

برآیند مواضع روحانیون، حاکی از تفاوت روش و رویکرد آن‌ها در عرصه‌های فقاقت و سیاست است. مواضعی که از آمیختگی نظرات و دیدگاه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی ناشی می‌شود. روحانیون سنتی که از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی در چارچوب اندیشه سیاسی معروف خود - که بر جدایی دین از سیاست تأکید داشت - به کناره‌گیری از مباحث سیاسی و اجتماعی و واردنشدن به آن‌ها پرداختند. از دیدگاه این دسته از روحانیون ورود به عرصه‌های سیاسی مفسده‌آمیز تلقی می‌شود و روحانیون اصولاً به‌دلیل نوع نگاه و رویکرد دینی خود نمی‌توانند در تحولات سیاسی جایگاهی داشته باشند. روحانیون محافظه‌کار نیز دو مؤلفه شرایط اجتماعی و مقتضیات زمان را در رویکردهای سیاسی خود اعمال می‌کردند. این دسته از روحانیون در ابتدا

مواضع سیال سیاسی را در قبال تحولات و رویدادهای انقلابی داشتند؛ ولی در بحبوحه تغییر فضای مبارزه به نفع انقلابیون، با تغییر مواضع خود گامی را در جهت پیشبرد اهداف انقلابیون برداشتند. روحانیون انقلابی با تأسی از حرکت امام خمینی به حمایت از افکار و دیدگاه‌های وی پرداختند و خواستار انقلاب سیاسی و اجتماعی عظیمی در سطح کشور شدند. آن‌ها برای رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی خویش به بسیج نیروهای فعال جامعه پرداختند. روحانیون طرفدار حکومت نیز بر اساس بنیادهای فکری و سیاسی خود به اتخاذ راهکارهایی در جهت حمایت از حکومت موجود پرداختند. تحولات انقلابی، مواضع گوناگونی را از رفتار سیاسی روحانیون شهرستان نشان داد که این مسئله از دو جهت قابل ارزیابی است. از یک طرف اختلاف نظرهای فقهی بین مراجع عظام و رویکردهای سیاسی متفاوت آن‌ها، نوعی تشتت آراء در میان روحانیون ایجاد کرده بود که این تفاوت‌ها به عاملی جدی در برابر انسجام و هماهنگی فکری و رفتاری روحانیون در تحولات انقلابی شهرستان تبدیل شده بود. از طرف دیگر بیانگر شکافی عمیق در مناسبات سیاسی روحانیونی بود که در قالب نشست‌های سیاسی به مناسبت محکومیت وقایع حکومت پهلوی و یا به منظور جلسات هم‌اندیشی و تبادل نظر در عرصه‌های دینی و سیاسی برگزار شد. در پایان می‌توان گفت هر چند مواضع روحانیون در تحولات انقلابی شهر بر مبنای دیدگاه‌ها و رویکردهای فقهی و سیاسی پایه‌ریزی شده بود، ولی در این میان عوامل دیگری در موضع‌گیری‌های سیاسی روحانیون دخیل بوده‌است، از جمله: شرایط و تحولات سیاسی و اجتماعی؛ فضای خفقان و استبداد حاکم بر جامعه؛ ترس از شکست انقلابیون؛ اجرای ظاهری قوانین اسلامی؛ حمایت همه‌جانبه و گسترده مردمی از روند کلی انقلاب؛ و..... مواضع روحانیون هر چهار جریان، تابعی از مواضع مراجع عظام بود. از میان این‌ها تنها می‌توان مواضع علمای تندرو مانند عبدالکریم بخردیان و رحیم شریعتی را نوعی ابتکاری دانست. گرایش بخردیان به مبارزه مسلحانه در بین علمای قم و تهران و نجف نیز جایگاهی نداشت؛ از این رو، می‌توان این رویکرد مبارزاتی را ابتکاری در بین علمای شهر بهبهان تلقی کرد.

منابع

الف. اسناد

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۳۳۵۸۰.

ب. کتاب

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۹۲). *ایران بین دو انقلاب*. (چ ۲۱). (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نشر نی.
- *اسناد انقلاب اسلامی*. (۱۳۷۴). (حمید روحانی، کوششگر). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دوانی، علی. (۱۳۸۷). *شرح حال افکار و آثار آیت الله بهبهانی از مفاخر فقها و مراجع عالی قدر شیعه با تجدیدنظر و اضافات*. (چ ۲). تهران: انتشارات قبله.
- *دوانی، علی*. (۱۳۷۷). *نهضت روحانیون ایران*. (چ ۲). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شعاع حسینی، فرامرز. (۱۳۸۷). *دهه پنجاه: خاطرات حسن زاده کاشمیری، علی خاتمی، محمد شکری*. تهران: انتشارات عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- محمدیان، خیرالله. (۱۳۷۸). *آیین ها و سوگواری های مذهبی در دارالمؤمنین بهبهان*. تهران: موسسه اندیشه کهن پرداز.
- نحوی، سیف الله. (۱۳۷۵). *سیمای بهبهان: سینای صالحان*. تهران: انتشارات نهبانندی.

ج. مقاله ها

- حسن زاده، اسماعیل. (۱۳۸۸). «تحلیل رفتار سیاسی عالمان شیعی: پدیده مهاجرت چهل روزه». فصلنامه علمی و پژوهشی *مطالعات تاریخ اسلام*، پژوهشکده تاریخ اسلام، شماره ۳، زمستان، صص ۳۷-۶۰.
- حسن زاده، اسماعیل. (۱۳۷۷). «تحلیلی بر واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم». فصلنامه *متین*، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۸۸.
- محمدیان، خیرالله، مجتهدی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «*حریم یار: ویژه نامه به مناسبت*

اولین سالگرد رحلت آیت‌الله محمدحسین مجتهدی». انتشارات کانون فرهنگی هنری مسجد سلطان محراب.

د. مصاحبه

- ابوعلی، داریوش، (۱۳۹۳/۸/۳)، بهبهان.
- اسلامی، حسین، (۱۳۹۳/۸/۱)، بهبهان.
- امامی بهبهانی، محمدرضا، (۱۳۹۳/۸/۲)، بهبهان.
- امیرمحسنی، کمال، (۱۳۹۳/۷/۱۸)، بهبهان.
- پاکباز، محمد، (۱۳۹۳/۷/۱۳)، بهبهان.
- پورخندان، رجب، (۱۳۹۳/۷/۱۵)، بهبهان.
- جنتی‌پور، حجت‌الاسلام نورالله، (۱۳۹۳/۷/۲۰)، بهبهان.
- حسن‌زاده، حمید، (۱۳۹۳/۷/۱۳)، بهبهان.
- درخشنده، حبیب‌الله، (۱۳۹۳/۷/۱۶)، بهبهان.
- درخشنده، عبدالله، (۱۳۹۳/۷/۲)، بهبهان.
- زاهدنژاد، فتح‌الله، (۱۳۹۳/۷/۲۰)، بهبهان.
- شریعتی، فاطمه، (۱۳۹۳/۷/۱۲)، بهبهان.
- صفائیان، شکرالله، (۱۳۹۳/۷/۱۹)، بهبهان.
- مبارکی، رحمان، (۱۳۹۳/۷/۲۱)، بهبهان.
- محسنی، رضا، (۱۳۹۳/۷/۱۵)، بهبهان.
- محقق، حجت‌الاسلام عبدالکریم، (۱۳۹۳/۷/۱۷)، بهبهان.
- مهاجرانی، سیف‌الله، (۱۳۹۳/۸/۶)، بهبهان.
- نصیرخانی، علی، (۱۳۹۳/۷/۱۰)، بهبهان.

هـ. پایان‌نامه

- ابوعلی، طاهره. (۱۳۹۳). «انقلاب اسلامی در بهبهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، با راهنمایی اسماعیل حسن‌زاده، دانشکده ادبیات، گروه تاریخ.